

# طرح کارورزی

## طرح کارورزی فارغ التحصیلان با حقوق ۳۱۰ هزار تومانی!

اکبر قربانی، دبیر اجرایی خانه کارگر غرب استان تهران: این طرح می‌تواند برای اقتصاد جامعه بسیار خطرناک باشد زیرا کارفرمایان می‌توانند با حداقل دستمزد قشر تحصیل کرده را به کار بگیرند و قشر کارگری که تحصیلات آنچنان ندارند از چرخه کار کشور حذف می‌شوند.

اکبر شوکت عضو هیات امنای سازمان تأمین اجتماعی: طرح کارورزی اثرات کوتاهمدت و جبران ناپذیری روی حقوق کارورزان و نظام حمایت‌های اجتماعی می‌گذارد. دولت گذشته با اعطای معافیت‌های بیمه‌ای به کارفرمایان کارگاه‌های بالای ۵ نفر و ۱۰ نفر و خارج نمودن آنها از شمول قانون کار تلاش داشت به این بخش رونق دهد اما در بلندمدت کارفرمایان به خاطر فرار از پرداخت مالیات با وجود اعطای معافیت کارگران خود را بیمه نکردند. از این رو به صراحت باید نگرانی خود را از تکرار این قانون‌گریزی در طرح کارورزی اعلام کنیم و به صورت مشخص از دولت بخواهیم که به قیمت اعطای معافیت‌های سلیقه‌ای به منابع بیمه‌شدگان در سازمان تأمین اجتماعی آسیب وارد نسازد.

فریبرز رئیس‌دانا، کارشناس اقتصادی: ثبت نام بیش از اندازه دانشجویان بیکار را نمی‌توان دلیلی بر ممتاز بودن طرح کارآموزی تلقی کرد، علت ثبت نام بیش از گنجایش این طیف از جویندگان کار تنها به نرخ بالای بیکاری و فقر باز می‌گردد، به طوری که اکنون می‌بینیم ۲۷۰ هزار نفر حاضر شده‌اند تا برای دریافت ماهی ۳۱۰ هزار تومان صف بکشند. این موقعیت هرگز به معنای مطلوب تلقی کردن برنامه‌های اشتغالزایی از جنس طرح کارورزی نیست، بلکه برعکس و آتاب شرایط مضحکه‌ای است که امروز در دانشگاه‌های کشور حکم فرماست، زیرا اگر دانشگاه‌ها در تعلیم و فن آموزی به دانشجویان عملکرد خوبی داشت دیگر نیازی به چنین طرحی نبود. کجای دنیا چنین طرحی انجام شده است که ما اکنون در ایران باید با آن روبه‌رو شویم. مسئولان مبلغ ماهیانه ۲۵۰ تا ۳۱۰ هزار تومان را برای این فارغ التحصیلان در نظر گرفته‌اند که به اندازه پول توجیبی چند روز دوران دانشجویی هم نمی‌شود و آن وقت می‌خواهند جوانان مردم با این مبلغ زندگی کنند. مطرح کردن این طرح نشان می‌دهد که پزشکان ما نمی‌توانند آمپول بزنند، مهندسان ما نمی‌توانند محاسبات ساختمانی انجام دهند و جامعه شناسان ما نمی‌توانند از مناطق آسیب دیده نظرسنجی کنند. جدا از همه انتقاداتی که به شرایط مدیریت و تدریس در دانشگاه‌ها وارد است باید گفت که چنین طرحی نمی‌تواند کمکی به وضعیت کنونی اقتصاد و همچنین بیکاری کشور بکند.

فتح الله بیات دبیر اجرایی خانه کارگر شرق استان تهران گفت: ما در کشور سازمان عریض و طویلی به نام فنی و حرفه‌ای داریم. چرا دولت از این پتانسیل استفاده نمی‌کند و حالا به فکر ایجاد طرح جدیدی افتاده است؟ اینکه یک فرد بعد از گذراندن دوران تحصیلات عالی به بیاید با حداقل حقوق کار کند مانند شیوه برده‌داری است که در آن همه اختیار کارگر در دست کارفرما است. هنوز مشخص نشده است که قدرت کارفرما در این طرح چقدر است اگر کارفرما خواست هر سه ماه کارگران خود را تعویض کند و با همین سیاست کارگاه خود را اداره کند چه باید کرد؟

آقایار حسینی فعال کارگری در اهواز: دولت قبل از مطرح کردن طرح کارورزی به این چالش پردازد که چرا دانشگاه‌های ما نمی‌توانند دانشجویانی با مهارت فنی تربیت کنند. ما در حال حاضر با انبوهی از دانشجویانی روبه‌رو هستیم که مهارت کار ندارند. طرح کارورزی دردی را از بحران بیکاری جوانان فارغ‌التحصیل دوا نخواهد کرد و تنها زمینه‌ساز سوءاستفاده از جوانانی را فراهم می‌کند که بعد از سال‌ها هزینه و تحصیل به دنبال کار می‌گردند. آیا دولت برای سرمایه‌ای که برای جذب این جوانان و تجهیزاتی که برای آموزش آنها نیاز است چاره‌ای اندیشیده است؟ در این طرح هیچ الزامی برای کارفرما مشخص نشده تا فردی که دو سال نزدش کار کرده است را استخدام کند. روشن است که بعد از دو سال فارغ‌التحصیلانی که در این طرح شرکت کرده‌اند مجدداً به چرخه بیکاران کشور باز خواهند گشت.

## دستیابی به مطالبات صنفی بزرگترین خواست جنبش مزدگیران است

تا زمانیکه طبقه کارگر ایران وارد فرایند «خود پیدا کردن اجتماعی» نشوند و به «خود آگاهی اجتماعی و طبقاتی» خود باور پیدا نکنند، نمی‌توانند وارد فرایند «سازمان‌گری تشکل مستقل طبقاتی» بشوند.

### ایجاد تشکلهای کارگری تنها راه حل است

کارگری

مراسم سومین روز درگذشت رضا گنجی، کارگر معدن کوشک بافق که ۲۳ خرداد در اثر حادثه شغلی (اصابت سنگ به سر) جان خود را از دست داده بود، برگزار شد. در این مراسم، علاوه بر کارگران معادن بافق، نمایندگان انجمن صنفی کارگران معدن چادرملو و تعدادی از دیگر فعالان کارگری استان حضور داشتند. در عین حال نمایندگان کارگران در مراسم، راه حل جلوگیری از بروز حوادث شغلی را ایجاد و گسترش تشکلهای کارگری دانستند و بیان کردند که اگر کارگران امکان طرح مطالبات خود را از طریق ایجاد نهادهای صنفی داشته باشند، کارفرمایان نمی‌توانند به این راحتی جان کارگران را بازیچه قرار دهند.

### تشکل برای کارگران از نان شب واجب‌تر است

اکبر علیپور (رئیس انجمن صنفی کارگران معدن چادرملو) در ارتباط با بروز حوادث مرگبار در معادن کشور اظهار داشت: آمار بالای مرگ و میر در معادن کشور، زنگ خطر را به صدا درآورده است؛ تنها راه رسیدن به مطالبات، تقویت اتحاد و انسجام کارگران، برگزاری مراسم دست جمعی و تاکید بر لزوم برگزاری جلسات ماهیانه در سطوح عالی است. این در حالیست که شگرد و سیاست قدرتمندان در جهت تضعیف اتحاد کارگری است. مطالبه‌گری فردی جواب نمی‌دهد چنانچه کارگری به صورت انفرادی یا تعداد محدودی از کارگران به حق در راه مطالبه حقوق قانونی خود حرکت کنند، یا تهدید به اخراج می‌شوند و یا متهم به سیاسیگری و برهم زدن امنیت ملی؛ به همین دلیل است که تشکل برای کارگران از نان شب واجب‌تر است. اگر آمار حوادث شغلی کشور را مرور کنیم به راحتی متوجه می‌شویم آن چیزی که برای مسئولان کم‌اهمیت است، جان کارگر است. کارگران باید بیشتر هوشیار باشند و بدانند تا اتحاد دست جمعی به دست نیاید، روند معیوب فعلی به همین صورت ادامه پیدا می‌کند و هر روز بیش از روز قبل،

### بیکاری در بین جوانان لرستان موج می‌زند

«محمدحسن موسیوند» فعال کارگر در استان لرستان در مورد طرح کارورزی اعلام کرد: این طرح می‌تواند ظلم بزرگی در حق تحصیل‌کردگان کشور باشد که با یک سوم حداقل حقوق به کار گرفته می‌شوند. باید به این نکته نیز توجه داشت که در کشوری که صنعت آن بیمار است چنین طرح‌هایی می‌تواند تأثیرات منفی داشته باشد. در صد بالایی از جوانان لرستانی بیکار هستند چون بستری برای انجام کار وجود ندارد حتی آنها نمی‌توانند به کارگری بپردازند. متأسفانه این جوانان چاره‌ای جز مسافرتی و کارهای موقتی ندارند. استان لرستان نه در صنعت و نه در کشاورزی قدرت لازم را ندارد تا بتواند محیط کار را برای جوانان فراهم کند. بنابراین عده‌ای از جوانان مجبور به مهاجرت می‌شوند و عده‌ای هم با همین وضعیت روزگار خود را می‌گذرانند.

### کارگران پارس قو تجمع کردند

حدود ۱۵۰ نفر از کارگران کارخانه پارس قو در اعتراض به عدم پرداخت ۳ ماه مطالبات مزدی و مشخص نبودن زمان بازگشایی این کارخانه در محوطه محل کار خود تجمع کردند. تجمع کارگران پارس قو تا حوالی ساعت ۱۲ ظهر ادامه داشت و کارگران شرکت کننده مانند دفعات قبل بنر و پوسترهایی را حمل می‌کردند که در آن به عملکرد کارفرما و سهامداران اعتراض شده بود. آن‌ها گفتند در شرایطی که مشکلات کارخانه روغن نباتی قو دیگر بر کسی پوشیده نیست اما کارفرما همچنان از پرداخت، دست‌مزد بهمن سال گذشته و مطالبات مزدی اسفند ۹۵، فروردین و اردیبهشت ۹۶ آن‌ها خودداری می‌کند. کارگران پارس قو افزودند: در نتیجه آنها در پرداخت هزینه‌های مربوط به پرونده شکایتی که از طرف آنها و علیه کارفرما، حدود دو هفته پیش در دادسرای بعثت مطرح شده است را ندارند. بر این اساس گفته می‌شود که هر کدام از کارگران روغن قو حدود ۳ ماه پرداخت نشده (حدود پنج میلیون تومان) طلبکار است که هزینه دادرسی چنین پرونده‌ای دست‌کم حدود ۵۰۰ هزار تومان خواهد بود. همچنین دفترچه بیمه‌های کارگران روغن قو دو هفته است که تمدید نشده و آنها هنگام مراجعه به مراکز درمانی سازمان تأمین اجتماعی به مشکلات بسیاری مواجه شده‌اند.



## پیش به سوی شناخت جنبش کارگری ایران

### تجمع کارگران مجتمع نی شکر هفت تپه در گرمای ۵۰ درجه

حدود ۷۰۰ نفر از کارگران شاغل و بازنشسته مجتمع نی شکر هفت تپه با اجتماع مقابل ساختمان اداری این مجتمع خواستار دریافت مطالبات عقب افتاده خود شدند. از قرار معلوم حدود ۳۰۰ نفر از کارگران بازنشسته این واحد که از اسفند ماه سال ۹۵ تا هم اکنون بازنشسته شده‌اند هنوز نتوانسته‌اند مطالبات بازنشستگی خود را دریافت کنند. این کارگران خواستار پرداخت سهم ۴ درصدی بازنشستگی خود در مشاغل سخت زیان آور به تأمین اجتماعی هستند و در عین حال بابت پاداش بهره برداری سالهای ۹۴ و ۹۵ را از کارفرما طلبکارند. در عین حال شماری از کارگران رسمی و روزمزدی شاغل بخش صنعت مجتمع که در اجتماع حضور دارند بابت دستمزد بهمین و اسفند سال ۹۴ و دو ماه مزد معوقه سال جاری به همراه پاداش و بهره برداری سالهای ۹۴ و ۹۵ دست به اعتراض صنفی زده‌اند. به گفته این کارگران در شرایطی امروز دست به تجمع زده‌ایم که دمای هوای شهرستان هفت تپه به بالای ۵۰ درجه رسیده است. با این وجود نه کارفرما و نه سایر مسئولان شهرستان شرایط کارمان را درک نکرده و پیگیری مشکلاتمان نیستند. از قرار معلوم جدا از مطالبات مزدی، حق بیمه کارگران رسمی و شاغل در چهار ماه گذشته به تأمین اجتماعی پرداخت نشده و دفترچه‌های درمانی آنها از مدتها قبل فاقد اعتبار است.



### تجمع جمعی از کارکنان مترو تهران برای مطالبات مزدی و نبود تشکل مستقل کارگری

جمعی از کارکنان شرکت بهره برداری مترو تهران با تجمع به عدم پرداخت معوقات مزدی، مشکلات بیمه‌ای، بد حسابی صندوق‌های حمایتی و نبود تشکل کارگری مستقل اعتراض کردند. آن‌ها با اشاره به تمدید نشدن دفترچه بیمه‌های تأمین اجتماعی در هفته‌های اخیر گفتند که با وجود کسر حق بیمه سهم کارگر این مبالغه گاه به حساب سازمان تأمین اجتماعی واریز نمی‌شود و سازمان تأمین اجتماعی علی‌رغم قانون دفترچه بیمه‌ها را تمدید نمی‌کند. علاوه بر پرداخت نشدن مطالبات مزدی و مشکلات بیمه‌ای کارکنان شرکت متروی تهران تاکید دارند که هر ماه مبالغی از حقوق آنها از بابت واریز به صندوق ذخیره شهرداری و صندوق مسکن کسر شده است که گویا این مبالغه به حساب این صندوق‌های حمایتی واریز نشده است. به گفته معترضین در این رابطه تکلیف سودهایی که به این سپرده تعلق گرفته مشخص نیست و مدیران شرکت مترو در این خصوص پاسخگو نیستند. نبود تشکل مستقل کارگری در رأس شرکت مترو یکی دیگر از مواردی است که گویا کارکنان شرکت مترو به آن اعتراض دارند چرا که به گفته معترضین مدیریت این مجموعه «به هیچ عنوان» اجازه تشکیل یک تشکل مستقل کارگری را نمی‌دهد.



### تجمع کارگران شرکتی شهرداری زاهدان

حدود صد نفر از کارگران شرکتی شهرداری زاهدان در اعتراض به عدم پرداخت معوقات مزدی مقابل سازمان شهرداری تجمع کردند. این کارگران که بیشتر در منطقه ۵ شهرداری زاهدان مشغول به کار هستند؛ بین ۵ تا ۶ مطالبات مزدی پرداخت نشده دارند؛ این معوقات، به حق اولاد و مزایای آنها برمی‌گردد؛ در عین حال دستمزد آنها نیز در ماههای گذشته کامل پرداخت نشده است. این کارگران به یک رسانه محلی گفته‌اند: هنوز عیدی سال پیش را نگرفته‌ایم و در شرایط فعلی، توان پرداخت اجاره خانه و هزینه‌های روزانه را نداریم؛ اگر پارانه نبود، از گرسنگی می‌مردیم و از آنجا که قراردادهای ما موقت و یک‌ماهه است و طرف حساب ما یک شرکت پیمانکاری، از ترس اخراج و بیکاری جرئت نداریم به اداره کار شکایت کنیم؛ مسئولان باید به اوضاع ما رسیدگی کنند و از شهرداری‌ها بخواهند که با کارگران خود، قرارداد مستقیم منعقد کنند.

### تجمع کارگران اخراجی صبا فولاد زاگرس در مقابل اداره صنعت و معدن

حدود ۱۲۰ کارگر اخراجی صبا فولاد زاگرس برای پی گیری وضعیت شغلیشان مقابل ساختمان اداره صنعت، معدن و تجارت استان چهارمحال بختیاری تجمع کردند. از قرار معلوم علت این اقدام اعتراضی اخراج ناگهانی حدود ۱۲۰ نفر از کارگران صبا فولاد زاگرس در اوایل تیر ماه جاری است و آنان خواستار بازگشت به کار و پرداخت معوقات حقوقی خود هستند. این کارگران که خواستار بازگشت بکار خود هستند می‌گویند کارفرما برای کم کردن هزینه‌های کارخانه به بهانه عدم نیاز اقدام به اخراج آنها کرده است. به گفته یکی از معترضین، کارفرما از چند روز قبل اسامی کارگران اخراجی را برای اطلاع و دریافت مقرری بیمه بیکاری به اداره تعاون کار و رفاه اجتماعی ارسال کرده بود. معترضان که به صورت میانگین ۱۰ سال سابقه کار در شرکت فولاد صبا واقع در شهرک صنعتی سفید دشت بروجن را دارند می‌گویند، هر یک از ما کارگران دستکم دارای سه سر عائله هستیم و تأمین مخارج زندگی بعد از اخراج بسیار برآیمان سخت شده است و نمی‌توانیم جواب زن بچه‌هایمان را بدهیم.

## مشکلات خوابگاهی دانشجویان شهید چمران اهواز

۲۷ تشکل دانشجویی طرح مشترکی پیرامون مشکلات اخیر دانشجویان در دانشگاه شهید چمران اهواز تهیه و خواستار رسیدگی ویژه و هرچه سریعتر مسئولین مرتبط برای جلوگیری از تکرار اتفاقات مشابه شدند.

متن این نامه که از آن به عنوان طرح مشترک انجمن‌های دانشجویی سراسر کشور نام برده شده، به این شرح است: «آنچه در دانشگاه شهید چمران اهواز رخ داد، بهمنی بود که بر سر جامعه دانشگاهی آوار شد. فاجعه‌ی خوابگاه حضرت معصومه(س) دانشگاه شهید چمران اهواز به عریان‌ترین شکل سیاست‌های کلی نظام آموزشی کشور را نشان می‌دهد؛ همزمان با آن‌که روند پولی‌سازی دانشگاه‌ها شتاب فزاینده‌ای گرفته، توجه به خوابگاه‌های دانشجویی، کیفیت زندگی و امکانات رفاهی روزبه‌روز کمتر شده است، به طوری که در این مورد، دانشجویان دختر ساکن خوابگاه، از ساده‌ترین و حداقلی‌ترین امکانات رفاهی بی‌بهره هستند. این در حالی است که علی‌رغم کمبود امکانات حداقلی آموزشی و رفاهی، همزمان با کاهش تعداد خوابگاه‌ها، نه تنها سیر جذب دانشجویان نوبت دوم و شبانه کاهش نداشته که با رشد بسیاری نیز روبرو بوده است. بی‌توجهی به مشکلات و دغدغه‌های دانشگاهیان از یک سو و از سوی دیگر برخورد نادرست و ناپسند مسئولین دانشگاه با دانشجویان و سوء استفاده آنان در تبدیل کردن اعتراضی صنفی برای حقی ابتدایی و بديهی به مسئله‌ای امنیتی، خود به معضلی بزرگتر بدل شده که شرایط زیست دانشجویان را به مخاطره انداخته است. در این میان عدم تشکل‌یابی و انحلال شورای صنفی دانشگاه شهید چمران اهواز که از اردیبهشت ماه ۹۳ منحل شده و برگزاری انتخابات سال جاری آن با کارشکنی معاونت دانشگاه همراه بوده است، مزید بر علت گذشته و راه را برای هرگونه ارتباط نهادی دانشجویان با دانشگاه بسته است.

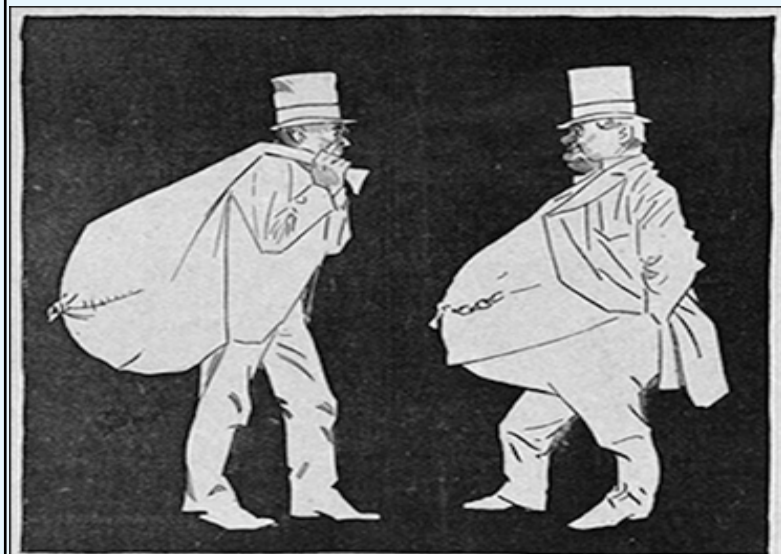
نباید فراموش کنیم که زنان دانشجوی خوابگاهی همیشه دچار تبعیض مضاعفی بوده‌اند؛ محدودیت‌های نامعقول برای ساعت ورود و خروج، برخوردهای مکرر و تحقیرآمیز مسئولین امر، وارد شدن به حریم شخصی و خصوصی دانشجویان، تحمیل پوشش اجباری در هنگام رفت‌وآمد از خوابگاه‌ها تنها نمونه‌هایی از مسائلی است که دانشجویان را به جای مسائل تحصیلی درگیر بديهی‌ترین حقوق زیستی و رفاهی‌شان کرده است. این تبعیض با بی‌تفاوتی جامعه مدنی و تمامی مسئولین مربوطه، بغرنج‌تر و حادثه‌تری می‌شود. چرا صدای بی‌صدای این دانشجویان تنها زمانی باید به گوش سایرین برسد که دچار چنین بحران وخیمی شده باشند؟ مجموع این شرایط و عدم رسیدگی به موقع به علاوه سنگ‌اندازی در راه نهادمندسازی دانشجویان برای احقاق حقوقشان، منجر به بروز چنین مشکلاتی شده است که همگی نشان از ضعف مدیریتی دانشگاه‌ها، هم در سطح دانشگاه و هم در سطح وزارتین علوم و بهداشت دارد.

ما تشکل‌های امضاکننده این بیانیه خواستار رسیدگی ویژه و هرچه سریعتر مسئولین مرتبط من جمله ریاست محترم دانشگاه شهید چمران اهواز و وزیر محترم علوم تحقیقات و فناوری «جناب دکتر فرهادی» به این معضل و پیشگیری برای وقوع معضلات مشابه هستیم و اعلام می‌کنیم که راه برون رفت از این گرداب جز عزم راسخ دو وزارت علوم و بهداشت برای برچیدن هرگونه سیاست تبعیض‌آمیز علیه دانشجویان خوابگاهی و به خصوص زنان دانشجو، جلوگیری از افزایش جمعیت دانشگاه از طریق پذیرش بی‌رویه دانشجویان شبانه و پردیس، حمایت و عدم سنگ‌اندازی در برابر نهادهای دانشجویی چون شوراهای صنفی و انجمن اسلامی نیست.

## دانشجویی در خوابگاه دخترانه دانشگاه چمران اهواز!



## طرح‌های ایجاد اشتغال موقت دولت، نه فقط فارغ‌التحصیلان، بلکه تمام اقشار جویای کار را در موقعیت متزلزل شغلی قرار می‌دهد.



LABOUR AND CAPITAL.

## اجرای طرحی با نام کاج (کارورزی اشتغال جوانان)

### برای دانشجویان و کارگران ارزان سازی و استثمار و بیکارسازی به همراه دارد!

این متن خطاب به دولت یازدهم و دوازدهم نوشته شده است. حادثه تمام شده است و وقت آن رسیده است تا چرتکه هایمان را درآوریم و حساب و کتاب کنیم باهاتان. در بحبوحه وزن کشی انتخابات پراهمیت ۹۶، در میان سکوت محافظه کارانه و مصلحت اندیشانه و بخش بزرگی از جنبش دانشجویی کشور، در تمامی مناظرات انتخاباتی به صراحت کلام برنامه های نیم بند و شعارهای خود را در رابطه با انواع خصوصی سازی ها و حمایت های یک طرفه از کارفرمایان صنعتی ابراز داشتید. البته نیک می دانیم که رقیبتان هم در این رابطه با شما هم کلام بود و تز دیگری نداشت، آنچنان که در مناظرات انتخاباتی، رقابت های بی برنامه شعاری بر سر این موضوع بود که چه کسی بهتر و دقیق تر خصوصی سازی را انجام دهد. گویی که این مدل از سیاستگذاری های لیبرالیستی و سرمایه سالارانه تنها مدل موجود و وحی ملزم و مطلق است. لازم به ذکر است، مخالفت ما با خصوصی سازی به هیچ وجه به معنای موافقتمان با دولتی سازی رانتی نیست بلکه به معنای موافقت با مردمی سازی حداکثری (لابد مشاورینتان بحث های نظری و علمی این نوع سیاستگذاری را هم بلدند) و مخالفت با انباشت سرمایه در دست انحصارطلبان و سرمایه داران بخش های خصوصی است. چونان که در این کشور اقتصاد رانتی را نیز باید به این نامعاده اضافه کنیم. به هر حال در همین سکوت شاید مصلحت اندیشانه دانشجویان بود که در مواردی بسیار عطایان به لقایان بخشیده شد. از جمله اینکه در این بین طرحی را به اجرا درآوردید با نام کاج (کارورزی اشتغال جوانان) و بدون توضیح و تفصیل جزییات آن، حتی از آن با عنوان یک دستاورد بزرگ به منظور تسهیل اشتغال جوانان و دانشجویان بهره تبلیغاتی بردید. لیک اما بدانید که در برابر این سیاستگذاری شاهکاران سکوت نخواهیم کرد. پیش از آنکه به شرح و توصیف جزییات و بررسی انگیزه ها و پیامدها و نتایج این طرح بپردازیم ذکر چند نکته را جهت گم نشدن در تاریخ و مشخص شدن وضعیتمان لازم می دانم:

۱- ضروری است جمله ای را در برابر چشمانتان قرار دهید: بخش بزرگی از رای شما نه به دلیل عملکرد مثبتتان بلکه در نتیجه دوگانه تکراری مشهور «بد و بدتر» و هراس از وضعیت احتمالی جایگزینتان بود که به درست یا به غلط باور مردم را ساخت داده بود. لذا، ضروری است رای خود را چک سفید امضا و ضامن مطلق نوع سیاستگذاری هاتان به ویژه در حوزه اقتصاد ندانید.

۲- اگر چه که با وجود تمام تبلیغات، بیش از ۲۵ درصد از مردم این کشور رای نداده اند و باید به دنبال دلایل باشید اما کاش امکانی هم وجود داشت تا درصد آراتان در بین طبقات فرودست و کم درآمد جامعه مشخص می شد، یادمان نمی رود که ستادها و بخش بزرگی از حامیانتان چگونه نگران رایتان در پایین شهرها و حومه ها و روستاها بودند و ... و اما کاج چیست؟ در اجرای این طرح کارورزان برای دوره ۶ تا ۱۱ ماهه راهی کارگاه های تولیدی خواهند شد و بدون تعهد استخدام به کار گرفته می شوند. بیمه تأمین اجتماعی نمی شوند و تنها مشمول بیمه حوادث خواهند بود. در بهترین حالت یک سوم حداقل دستمزد به عنوان کمک هزینه کارورزی به آنها پرداخت خواهد شد. محمدرضا کارگر مدیرکل توسعه اشتغال و سیاستگذاری بازار کار در بخشی از صحبت هایش با اشاره به وجود تعداد بالای فارغ التحصیلان بیکار خطاب به فعالان بخش خصوصی گفت: «که دولت آماده است تا پتانسیل ارزان سازی کارگران را در اختیار کارفرمایان بگذارد، زیرا اساس کار این است که فارغ التحصیلان دانشگاهی به دنبال جمع کردن رزومه هستند و کارفرمایان می توانند بدون صرف هزینه برای حقوق و دستمزد آنها را به خدمت بگیرند. هزینه های نیروی کار برای دولت بالا است و مشارکت فعالان بخش خصوصی برای پایان دادن به این «سیکل نامطلوب» ضروری است.

سخنی با دوستان:

امروز آینده تمامی ما دانشجویان به یکدیگر گره خورده است، امروز تمامی ما دانشجویان در برابر اجرای چنین مصوبات و طرح هایی و آینده خود و کارگرانی که با اجرای این طرح ها از حداقل حقوق و حداقل شرایط معیشت و زندگی محروم خواهند شد، مسئول هستیم. پیامد این طرح از یک طرف ارزان سازی و استثمار نیروی کار دانشجویان در بخش صنعت و تولید است، آن هم بدون هیچ تعهد الزام آوری برای ایجاد اشتغال بلند مدت با حداقل های ضروری و از طرف دیگر بیکارسازی کارگرانی است که در حال حاضر اشتغال دارند. این متن را به تمامی مسئولین دولتی و دانشگاهی که شماره شان را داشتیم ارسال کرده ام. شما هم از جایی شروع کنید. همچنین امید آن دارم که شوراها و صنفی دانشجویان کشور همچون گذشته، محکم و استوار در برابر اجرای طرح کاج ایستادگی کرده و از صنف خود دفاع کنند.

امیر سعادت - فعال صنفی دانشگاه علامه طباطبای

فعالین مدنی

**عبدالفتاح سلطانی پس از ۶ سال به مرخصی آمد**

عبدالفتاح سلطانی وکیل و زندانی سیاسی که از سال ۹۰ در زندان اوین به سر می‌برد، در حالی به مرخصی آمد که پیش از این برای سالگرد درگذشت مادرش در اردیبهشت ماه، درخواست مرخصی کرده بود که با مخالفت مسئولین روبه رو شد. آقای سلطانی از وکلای مدافع حقوق بشر ۱۹ شهریورماه ۱۳۹۰ بازداشت شد و به دلیل پذیرفتن جایزه حقوق بشر نورنبرگ آلمان، مصاحبه با رسانه‌ها درباره پرونده موکلانش و مشارکت در تاسیس کانون مدافعان حقوق بشر به ۱۸ سال حبس تعزیری و ۲۰ سال محرومیت از وکالت محکوم شد که این حکم در دادگاه تجدید نظر به ۱۳ سال حبس تقلیل یافت سپس با اعمال قانون تجمیع جرائم و اعمال ماده ۱۳۴ حکم ۱۳ سال حبس تعزیری وی به ۱۰ سال کاهش یافت. همچنین محرومیت وی از وکالت نیز به دو سال کاهش یافته است. وی در طی دوران حبس به دلیل شرایط کلی نامناسب زندان، سوء تغذیه و آب نامناسب دچار شکستگی دندان و کم خونی، فشارهای عصبی و بیماری حاد کولیت عصبی و نوسان فشار خون شده است.

**رامین حسین‌پناهی بر اثر شکنجه در بازداشتگاه اطلاعات سپاه به کما رفته است**

رامین حسین‌پناهی شهروند سنندجی، در پی وخیم شدن حالش زیر فشار بازجویی مأموران اطلاعات سپاه به کما رفته است و هم‌اکنون در بیمارستانی خارج از استان کردستان در بخش مراقبت‌های ویژه نگهداری می‌شود. این شهروند روز جمعه دوم تیرماه، طی درگیری با نیروهای سپاه پاسداران در سنندج به شدت مجروح و توسط نیروهای سپاه بازداشت و پیش از تکمیل مراحل درمانی از بیمارستان سنندج به بازداشتگاه سپاه منتقل شده بود. امجد حسین‌پناهی به آژانس خبری کردپا گفته است؛ رامین حسین‌پناهی در درگیری روز دوم تیرماه سه گلوله به ناحیه کمر، پشت و پای وی اصابت نموده است و پس از انتقال از بیمارستان به بازداشتگاه به دلیل فشار بازجویی و شکنجه و شدت خونریزی به کما رفته است و چند روزی است که در بیمارستانی خارج از استان کردستان بستری است.

**۶ سال حبس برای فعال ملی و مدنی آذربایجان**

ناصر خلوصی فعال ملی و مدنی آذربایجان، از طرف شعبه دوم دادگاه ارومیه، به ۶ سال حبس تعزیری محکوم شد. اتهامات وارد شده به این فعال ملی-مدنی، تبلیغ علیه نظام و بر هم زدن امنیت ایران عنوان شده است. لازم به ذکر است که ناصر خلوصی پیشتر به خاطر فعالیت‌های خود از طرف حکومت ایران بازداشت و به حبس محکوم شده بود. و نیز گفتنی است که وی ۲۳ روز در انفرادی بازداشتگاه سازمان اطلاعات سپاه تبریز، تحت بازجویی و شکنجه قرار داشت.

**علیرضا گلی پور زندانی امنیتی پس از پنج سال به مرخصی آمد**

علیرضا گلی پور زندانی امنیتی مشکوک به سرطان محبوس در سالن ۱۲ بند ۷ زندان اوین، در سالگرد پنجمین سال حبس خود، جهت برگزاری کمیسیون پزشکی، به مرخصی استعلاجی سه روزه و قابل تمدید اعزام شد. یکشنبه ۴ تیرماه ۱۳۹۶، کمیسیون پزشکی جهت بررسی عدم تحمل کیفر این زندانی، طبق قرار قبلی، برگزار خواهد شد. پرونده این زندانی امنیتی به شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران جهت تجمیع ارجاع شده است. علیرضا گلی پور ۱۱ خردادماه ۱۳۹۶ دچار تشنج شده و به بهداری زندان منتقل شد و علیرغم نامناسب بودن وضعیت جسمی این زندانی او به مرکز درمانی خارج از زندان منتقل نشد. علت عدم اعزام این زندانی، عدم صدور مجوز اعزام به تهران و تمام ساعات کاری دادپار ناظر بر زندان عنوان شد. وی متولد ۱۳۶۵، ساکن تهران و دانشجوی مخابرات و کارمند وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات در مهرماه ۱۳۹۱ از سوی مأموران وزارت اطلاعات دستگیر و تیرماه ۱۳۹۴ به اتهام "جاسوسی به نفع اجانب و به طور مشخص کشور آمریکا" از سوی شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی صلواتی به ۳۹ سال و ۹ ماه حبس تعزیری و ۱۷۰ ضربه شلاق محکوم شد که این حکم با اعمال ماده ۱۳۴ و تخفیف به ۱۲ سال حبس تعزیری تقلیل یافت.



### شانزدهمین روز اعتصاب غذای حبیب ساسانیان زندانی محبوس در بند ۱۲ زندان مرکزی تبریز

حبیب ساسانیان زندانی محبوس در بند ۱۲ زندان مرکزی تبریز، بیش از یک سال است که به دلیل عدم توان تودیع وثیقه یک میلیارد تومانی، به صورت بلا تکلیف در زندان به سر میبرد و از ۲۳ خردادماه سال جاری اعتصاب غذای اعتراضی خود در آغاز کرده است و در حال حاضر در شرایط نامناسب جسمی به سر میبرد. وی که مبتلا به تشنج (صرع) است، مجبور به مصرف داروی ضد تشنج کاربامازپین است. در صورت توقف مصرف این دارو، احتمال تشنج وی افزایش خواهد یافت. آقای ساسانیان در حالی که در اعتصاب غذا به سر میبرد، به خواست خانواده اش با نوشیدن صرفاً آب، داروهایش را مصرف می کند. با این حال طی روزهای اخیر، دچار تشنج شده و همچنین چندین بار در پی بد شدن وضعیت جسمی، به بهداری زندان منتقل شده است. در بهداری به او سرم تزریق شده است که بعضاً با مخالفت آقای ساسانیان این رسیدگی ناتمام مانده است. وی که در اعتصاب غذای اعتراضی به سر میبرد، در پی بیهوش شدن به بهداری زندان منتقل و با دستبند و پابند به تخت بهداری بسته شد. در یکی از این موارد پس از به هوش آمدن به هدف ممانعت از تزریق سرم در حالی که دست و پاهایش به تخت بسته شده بود، سعی در توقف تزریق با استفاده از دندان خود داشته است که همین نکته نشانه مشخصی از میزان فشاری است که این زندانی تحمل می کند.



### سازمان عفو بین الملل خواستار آزادی امید علی شناس شد

عفو بین الملل در بیانیه‌ای اعلام کرد، زندانی سیاسی، امید علی شناس، به همراه تعدادی دیگر از زندانیان عادی در بند هفت زندان اوین، در شرایط بهداشتی و تغذیه‌ای نامناسبی به سر می‌برد، سازمان عفو بین الملل در پایان خواهان آزادی امید علی شناس شده است. امید علی شناس، فعال مدنی، در ۲۰ آذر از سوی نیروهای سپاه پاسداران برای اجرای حکم هفت سال حبس بازداشت شد و در بیست و دوم آذرماه از قرنطینه بند چهار زندان اوین به بند هفت انتقال یافت. وی نخستین بار در ۱۳ شهریور سال ۱۳۹۵ بازداشت و به بند دو-الف سپاه پاسداران منتقل شد. وی در ۲۸ دی‌ماه سال گذشته با قرار وثیقه از زندان اوین آزاد گشت. آقای علی شناس به دلیل فعالیت‌های مدنی مسالمت‌آمیز، به اتهام تبلیغ علیه نظام، اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی و توهین به رهبری در دادگاه بدوی به ۱۰ سال زندان محکوم شد که این حکم در دادگاه تجدیدنظر به ۷ سال کاهش پیدا کرد.



### در ادامه دستگیریه‌های زنجیره‌ای در مناطق مرزی؛

#### انتقال سه شهروند اشنویه‌ای به بازداشتگاه‌های حفاظت اطلاعات سپاه ارومیه

سه شهروند اشنویه‌ای به نام‌های، فاروق شارویرانی، امیر پیغامی و طاهر خورشیدی، که در هفته‌های گذشته توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده بودند، هم‌چنان در بازداشتگاه‌های اطلاعات و حفاظت اطلاعات سپاه نگهداری می‌شوند. این سه شهروند اشنویه‌ای به اتهام «همکاری با احزاب کرد» و «جاسوسی» در بازداشتگاه‌های اطلاعات و حفاظت اطلاعات سپاه در ارومیه تحت بازجویی قرار دارند. طی این گزارش نیروهای امنیتی وابسته به حفاظت اطلاعات سپاه پاسداران یک سرباز به نام «طاهر خورشیدی» ۲۱ ساله از اهالی محله سیدآباد اشنویه را به اتهام «جاسوسی و افشای اسرار محرمانه‌ی سپاه پاسداران» بازداشت کردند که جهت بازجویی به حفاظت اطلاعات سپاه پاسداران در ارومیه منتقل شده است. همچنین «فاروق شارویرانی» فرزند احمد با اتهامات سیاسی و مرتبط با احزاب کردی از سوی نیروهای وزارت اطلاعات مستقر در اشنویه بدون مجوز قانونی پس از تفتیش منزلش، بازداشت گردید. وی به بازداشتگاه اداره‌ی اطلاعات ارومیه منتقل شده است.

### ممانعت رئیس زندان اوین از اعزام علی شریعتی به بیمارستان

چهارم‌حالی رئیس زندان اوین، با اعزام علی شریعتی به بیمارستان بدون دستبند و پابند مخالفت کرد. طی گزارشی اعلام شده که خصومت چهارم‌حالی با زندانیان سیاسی اثبات شده است و این را میتوان از برخوردهایی که با اسماعیل عبدی، مجید مقدم و علی شریعتی میکند، دریافت. اتهام علی شریعتی، اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی از طریق شرکت در تجمع ۳۰ مهرماه ۱۳۹۳، علیه اسیدپاشی مقابل مجلس شورای اسلامی است و به پنج سال حبس محکوم شد. درخواست تجدیدنظر به این حکم نیز در شعبه ۳۳ دادگاه انقلاب رد و مجدداً حکم پنج سال حبس تأیید شد. آقای شریعتی در ۲۹ بهمن‌ماه ۱۳۹۳ بازداشت و در ۲۷ اردیبهشت ۱۳۹۵ به مرخصی آمد اما در روز ۱۰ آبان سال جاری (۱۳۹۵) دوباره بازداشت و به زندان اوین منتقل شد.





### تبعیض بر زبان بلوچی

وقتی در سال ۹۲ حسن روحانی نامزد ریاست جمهوری شد وعده‌هایی داد، یکی از وعده‌هایش تدریس زبان کردی در کردستان، آذری در آذربایجان، بلوچی در بلوچستان و مناطق بلوچ‌نشین و ترکمنی در ترکمن‌صحرا بود. ولی در حال حاضر و با گذشت ۴ سال این وعده در غرب کشور و در کردستان و آذربایجان نهایی شده اما در شرق کشور و در بلوچستان و ترکمن‌صحرا اجرا نشده و زبان بلوچی که یکی از زبان‌های زنده و زبان بیش از ۴ میلیون ایرانی است تنها در دانشگاه سیستان و بلوچستان تنها ۲ واحد درس اختیاری با عنوان زبان و ادبیات بلوچی دارد و زبان ترکمنی نیز تنها در دانشگاه شمس گنبد تدریس می‌شود و هیچ نشانه‌ای از آغاز تدریس این دو زبان در ابتدایی و دبیرستان نیست. در دانشگاه‌های ولایت ایرانشهر، دانشگاه آموزش عالی سراوان و دانشگاه علوم دریانوردی چابهار به دلایلی نامشخص تدریس زبان بلوچی آغاز نشده است. تدریس به زبان مادری حق هر قومی است و این حق نیز در قانون اساسی ایران در اصل پانزدهم به رسمیت شناخته شده است و تبعیض بین زبان‌های ایرانی یک مورد بسیار ناشایست است که کودک کردستانی و کودک آذربایجانی نوشتن و خواندن به زبان مادری خود را در مدارس یاد بگیرند اما کودکان فقیر و مظلوم بلوچ و کودکان ترکمن باید تنها نوشتن به زبان رسمی کشور را یاد بگیرند تا زبان مادری خود را به فراموشی بسپارند. سلیم کوهگردی

### بازداشت ده‌ها شهروند عرب اهوازی در روز عید فطر. توسط نیروهای امنیتی

گزارش‌های به دست آمده حاکی است که نیروهای امنیتی ایران، شامگاه عید فطر، ده‌ها شهروند عرب اهوازی را دستگیر و به مکان‌های نامعلومی منتقل کرده‌اند. در این راستا، فعالان اهوازی می‌گویند نیروهای امنیتی حکومت ایران یکشنبه با یورش به مراسمی که در منطقه «ملاشیه» اهواز به مناسبت عید سعید فطر برگزار شد، مشارکت کنندگان در این جشن را دستگیر کردند. طبق این گزارش، افراد حاضر در جشن مذکور، با هدف انجام هماهنگی‌های لازم برای برگزاری نماز عید فطر در آنجا گردهم آمده بودند. در همین حال، منابع اهوازی نام تعدادی از بازداشت شدگان را اعلام کرده‌اند که اسامی آن‌ها بدین قرار است: احمد حزباوی، ناصر اسدی، مرتضی سیلاوی، مرتضی حردانی، محمد عفرای، ماهر مسعودی، علی زهیری، عدنان حردانی، احمد برارجه، علی شریفی، محمد مسعودی، احمد مسعودی و عبیده اسکین غزلاوی از دیگر سو، گزارش شده نیروهای امنیتی همچنین عصر یکشنبه دو فعال عرب اهوازی دیگر با نام‌های عزیز حمیدادی و محمود حمیدادی را در منطقه «مولحه» دستگیر و به نقطه نامعلومی منتقل کردند. آنگونه که فعالان حقوق بشر می‌گویند دولت ایران مدت‌هاست که روند بازداشت و دستگیری فعالان عرب اهوازی را سرعت بخشیده و حتی فعالیت‌های آنان که در چهارچوب قوانین فعلی حکومت ایران باشد را بر نمی‌تابد. پیش از این تعداد قابل توجهی از فعالان عرب به اتهامات مختلف دستگیر، زندانی و تبعید شده‌اند.

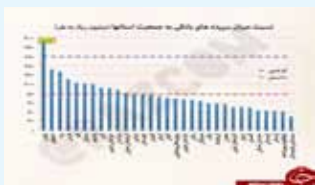


### استراتژی تغییر ترکیب جمعیتی مراکز مرزی کلید خورد

برنامه گسیل جمعیت به سواحل مکران، جمعیت چابهار یک میلیون و ۴۰۰ هزار نفر می‌شود. در ادامه طرح گسیل جمعیت چابهار و کنارک هسته اصلی توسعه سواحل مکران محسوب می‌شوند و جمعیت این منطقه به بیش از یک میلیون و چهارصد هزار نفر خواهد رسید! وی افزود: "قبل از واگذاری ظرفیت توسعه در چابهار باید اسکان جمعیت در این منطقه و پیش‌بینی افزایش بالای تعداد ساکنان این منطقه در افق ۱۴۰۴ مورد توجه قرار گیرد و به مدیریت اسکان جمعیت پردازیم." چابهار و کنارک هسته اصلی توسعه سواحل مکران محسوب می‌شوند و امروز ۶۵ درصد جمعیت چابهار حاشیه‌نشین هستند، هرچند غیر از منطقه آزاد وارد شهر چابهار نیز که می‌شویم وضعیت اسکان نامساعد و ضعیف است." اکبر ترکان دبیر شورای عالی مناطق آزاد ایران اعلام کرد: بیش از ۵ میلیون جمعیت در سواحل جنوبی ایران اسکان داده خواهند شد که با توجه به موضوعی که دکتر روستا اعلام کرد تنها یک میلیون و ۴۰۰ هزار نفر از این جمعیت سهم چابهار و حومه خواهد بود.



بر اساس آمار اعلام شده، استان‌های سیستان و بلوچستان، کهگیلویه و بویراحمد و لرستان بی‌پول‌ترین و تهران، اصفهان و یزد پولدارترین استان‌های ایران هستند. استان سیستان و بلوچستان پهناورترین استان کشور و با معادن غنی زیر زمینی خود به علت "بی‌توجهی و تبعیض‌های مسئولان" فقیرترین و بی‌پول‌ترین استان کشور هست و بیش از ۸۰ درصد مردم استان زیر خط فقر زندگی می‌کنند.





### ۹۱۰ روز بلاتکلیفی جوانان نصیرآباد



جوانان نصیرآباد با گذشت بیش از ۳۰ ماه همچنان در بلاتکلیفی بسر می‌برند. ۱۰ نفر از بازداشت شدگان نصیرآباد با وجود قول های متعدد مسئولان در مورد آزادی آنها اما همچنان در بلاتکلیفی بسر می‌برند. جوانان نصیرآباد بامداد ۱۴ دی ماه ۹۳ با یورش مامورا سپاه در خانه های خود در حالی که "خواب بودند" بازداشت شدند با گذشت ۳۰ ماه اما دادگاهی "غیر علنی و بدون اجازه حضور خانواده زندانیان" تنها سه نفر از آنها به نام های نجیب رئیسی، عبدالستار بهرامزهی و امین رئیسی به طور مجزا به ترتیب در روزهای ۱۹، ۲۲ و ۲۳ اسفند سال گذشته در زاهدان برگزار شد. مسئولین بارها به خانواده ها قول آزادی "زود هنگام" این بازداشت شدگان را داده اند اما گویا این قول مسئولان تنها برای "عدم پیگیری رسانه ای وضعیت زندانیان" بوده است. این زندانیان به اتهام "اقدام علیه امنیت ملی" محاکمه شده اند، و از جزئیات درج شده در پرونده آنها اطلاع دقیقی در دست نیست. این جوانان در ملاقات با خانواده های خود گفته اند "برای اخذ اعتراف های دیکته شده مورد شکنجه" قرار گرفته اند. گزارش ها همچنین از "سکته ناقص" یک ماه پیش ابوبکر ملازهی یکی از این بازداشت شده ها خبر می دهند اما علیرغم پیگیری خانواده و درخواست کتبی و شفاهی خود آقای ملازهی اجازه اعزام به بیمارستان پیدا نکرده است.



### طرح مطالبات جامعه اهل سنت با هشدار مولانا گرگیج

مولانا محمدحسین گرگیج از ایجاد برخی محدودیت ها در خصوص شرکت علمای اهل سنت به همایش های برون استانی به شدت انتقاد کرد. وی با اشاره به ممانعت از سفر مولوی عبدالحمید مرادزهی به تایید جهت شرکت در مراسم ختم قرآن گفت: نباید جلوی سفر علمای اهل سنت برای شرکت به جلسه های برون استانی گرفته شود که این گونه مسایل، تبعات منفی را در داخل و خارج کشور در پی خواهد داشت. "مولانا عبدالحمید هم چند مدت پیش قصد شرکت در تشییع جنازه مولانا شهیدی را داشتند که با ممانعت هایی روبرو شدند". این نوع حرکات نام نیکی از ما بجا نمی گذارد لذا عزیزان در مورد عواقب ناگوار آن بیندیشند و بدانند چنین رفتارهایی موجب دلسردی مردم می شود، بارها در مورد تحریم انتخابات تحت فشار قرار گرفتیم ولی ما به خاطر دلبستگی زیاد به وطن اینگونه عمل نکردیم. ما نمی خواهیم کشورمان به سرنوشت سوریه و عراق دچار شود و شیعه و سنی به جان هم بیفتند از این رو مردم را به شرکت گسترده در انتخابات فرا خواندیم، ما حقوق خود را با گلوله نمی گیریم بلکه با قلم، گفتار و زبان، مطالبه خواهیم کرد. قانون اساسی چنین حقی را به ما داده است که آزادی مذهبی داشته باشیم و هیچ فردی حق ندارد بر خلاف قوانین اساسی کشور ما را مکلف به انجام کاری کند.

وی خطاب به روحانی گفت: در این دوره از انتخابات ریاست جمهوری، علمای اهل سنت به طور علنی از دکتر روحانی حمایت کردند، آقای روحانی شما منتخب هستید نه منتصب لذا مردم ولی نعمت شما هستند. اقوام کشور، مذاهب مختلف اسلامی از جمله اهل سنت و ادیان کشور مانند زرتشتیان، کلیمیان و مسیحیان انتظاراتی از شما (دکتر روحانی) دارند که باید محقق شوند، در دولت شما، رابطه بر ضابطه حاکم نشود بلکه بر اساس شایسته سالاری عمل نمایید. اهل سنت باید در کابینه دولت دوازدهم وزیر داشته باشند، در زیر مجموعه وزارت کشور شامل استانداری ها، فرمانداری ها و بخش داری ها که نمایندگان سیاسی دولت هستند باید به طور چشم گیر از نیروهای شایسته اهل سنت استفاده شود، در وزارت دفاع، اطلاعات و سایر وزارت خانه های کلیدی نیز از نیروهای اهل سنت در پست های مهم استفاده شود. اگر شما این مسئله (آزادی مذهبی) را در سراسر کشور رعایت کردید ما از شما تشکر می کنیم و اگر در جایی رفتارهای سلیقه ای و اعمال فشار مشاهده کردیم مورد انتقادمان قرار خواهد گرفت.

همیشه خبرهایی از گوشه و کنار به ما می رسند که افرادی به دلیل کولبری و گازوییل کشی در نقاط محروم کشور به ضرب گلوله کشته می شوند، قاچاق مورد تایید ما نیست اما محرومیت قشر کم درآمد جامعه را هم باید در نظر بگیریم، در کشور، فقر و محرومیت گسترده شده است لذا مسئولین جهت اطلاع از وضعیت نابسامان معیشتی مردم به میان آنان بروند و محرومیت ها را در تمامی زمینه ها رفع نمایند. افرادی که انتقاد صحیح و سازنده دارند نباید حبس شوند، ما قلم ها و زبان ها را حبس نکنیم بلکه خودمان را اصلاح کنیم و کمبودها را برطرف سازیم، زبان ها را در کام محبوس نکنیم بلکه آزادی بیان را گسترش دهیم.

## زنگ هشدار: ۸/۱۷ میلیون زن باسواد از نظر اقتصادی غیرفعال هستند

«باید جمعیت ۵۰ درصدی زنان را مورد توجه قرار دهیم. حتی باید امروز در برخی مشاغل مدیریتی، سهمی برای زنان قائل شویم. با یک عقب ماندگی تاریخی مزمن در این زمینه مواجه ایم.» این بخشی از شعارهای انتخاباتی سال ۹۲ حسن روحانی است که در سال ۹۶ هم با لحن دیگری تکرار شده که نشان دهنده توجه دولت او به موضوع اشتغال زنان است. در مقابل این دیدگاه اما آیت الله خامنه ای، رهبر جمهوری اسلامی قرار دارد که می گوید اولویت اول سلامت خانواده است نه اشتغال زنان. اما فارغ از این مناقشات سیاسی، پرسش مهم تر این است که اساساً وضعیت اشتغال زنان و یا پتانسیل زنان برای حضور در بازار کار چگونه است؟ و آیا اساساً در دولت تمایل جدی برای اجرایی کردن شعار و سیاست های دولت وجود دارد؟

در گزارش های مرکز آمار ایران، افراد بالای ده سال را «جمعیت در سن کار» در نظر می گیرند و جمعیت فعال و غیرفعال بر این اساس، محاسبه و اعلام می شود. «زنان شاغل باسواد» و جمعیت «زنان باسواد» که از نظر اقتصادی، غیرفعال هستند، براساس اطلاعات گزارش مرکز آمار ایران از «نتایج آمارگیری نیروی کار» سال ۱۳۹۴ نشان داده شده که؛ در سال ۱۳۹۴ بیشتر از ۲۸ میلیون و ۱۱۶ هزار زن در کشور از نظر اقتصادی، غیرفعال بوده اند که از این تعداد بیش از ۲۲ میلیون و ۸۰۰ هزار نفر باسواد هستند. ۱۷ میلیون و ۶۷۸ هزار نفر از این زنان باسواد و غیرفعال، در شهرها زندگی می کند و ۵ میلیون و ۱۳۴ هزار نفر ساکن روستاها هستند. در سال تحصیلی ۱۳۹۳-۱۳۹۴ تعداد دانشجویان دختر حدود ۲ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر، تعداد دانش آموزان دختر در مقطع راهنمایی، حدود یک میلیون نفر و تعداد دانش آموزان دختر در مقطع متوسطه عمومی حدود یک میلیون و ۵۰۰ هزار نفر بوده. و این یعنی در مجموع حدود ۵ میلیون از آمار زنان باسواد همچنان در حال تحصیل هستند. براساس داده ها نسبت مشابهی نیز برای اشتغال زنان وجود دارد؛ به طوری که از ۳ میلیون ۴۶۰ هزار زن شاغل کشور بیش از ۲ میلیون و ۹۷۵ هزار نفر باسواد هستند که ۲ میلیون و ۲۲۹ هزار نفر از آنها در شهرها و ۷۴۶ هزار نفر نیز در روستاها زندگی می کنند. بنابراین تعداد زنانی که در سن کار قرار دارند ولی غیرفعالند حدود ۸ برابر بیشتر از تعداد زنان شاغل است. همچنین اگر این مقایسه تنها در بین زنان باسواد صورت گیرد، مشخص می شود که زنان باسواد غیرفعال ۷.۶ برابر زنان باسواد شاغل هستند. این نسبت در بین زنان شهرنشین ۸ و در بین زنان روستایی ۶.۸ است.

سهم بخش های اقتصادی در اشتغال زنان به تفکیک زنان

براساس اطلاعات مرکز آمار ایران، زنان شاغل بیشتر در بخش خدمات مشغول به کارند. بعد از آن صنعت قرار دارد و کمترین سهم آنها در بخش کشاورزی است. سهم بخش خدمات در اشتغال زنان ۴۸.۶ درصد و سهم بخش کشاورزی و صنعت به ترتیب ۲۶.۱ و ۲۵.۳ درصد است. در ۱۷ استان نیز سهم بخش کشاورزی در اشتغال زنان بیشتر از متوسط آن در سطح کشور است. در ۱۱ استان سهم کشاورزی در اشتغال زنان بالای ۳۵ است (در خراسان رضوی ۳۴.۹ درصد است که رقم گرد شده). به عبارت دیگر آمار کشوری نشان می دهد صنعت کمترین سهم را در فرصت های شغلی زنان دارد. در ۱۷ استان کشور (بیشتر از نصف استان ها) هم شرایط به گونه ای است که سهم کشاورزی افزایش قابل توجهی دارد. در ۸ استان خراسان شمالی، آذربایجان غربی، کرمانشاه، اردبیل، زنجان، خراسان جنوبی، کردستان و آذربایجان شرقی بخش کشاورزی بالاترین سهم را از اشتغال زنان داشته است. این موضوع نشان می دهد، سهم اشتغال روستایی در تعداد زیادی از استان ها بالاست.

وجود ۲۲ میلیون و ۸۰۰ هزار زن باسواد غیرفعال در کشور رقم بالا و نگران کننده ایست و وضعیت نامطلوب زنان باسواد در مشارکت اقتصادی را نشان می دهد. حتی اگر حدود ۵ میلیون دانش آموز و دانشجوی زن را از این آمار کم کنیم، باز هم عدد ۱۷ میلیون و ۸۰۰ هزار نفر یک تصویر نگران کننده را نشان می دهد. این آمار البته مربوط به سال ۹۴ است و بعید نیست که با توجه به دشواری های اقتصادی در طول دو سال گذشته افزایش یافته باشد.

همچنین با توجه به اینکه عمده فرصت های شغلی در بخش کشاورزی در روستاهاست، اینکه در ۱۷ استان کشور سهم بخش کشاورزی بیشتر از سهم آن در متوسط کشوری است، بدان معناست که در این ۱۷ استان، فرصت شغلی در مشاغل شهری برای زنان باسواد کمتر ایجاد شده است. پس توازن بازار کار زنان در سطح کشور یکدست نیست و غیرمتقارن است. در تحلیل یا سیاست گذاری برای بازار کار هر استان، در نظر گرفتن شرایط ویژه و بومی آن منطقه از اهمیت برخوردار است که تحلیل آمار نشان می دهد مسوولان سیاست گذاری توجهی به این عوامل نداشته اند. علاوه بر آن، با نگاه به درصد بالای اشتغال زنان در بخش خصوصی می توان نتیجه گرفت که مراکز دولتی و ادارات حکومتی تمایل بسیار کمتری به استخدام زنان دارند و گام موثری برای اشتغال زنان باسواد بر نمی دارند.



### معرفی يك سایت؛ درباره ما

نشریه اینترنتی کانون زنان ایرانی می‌کوشد هم از مطالبات زنان روشنفکر بگوید، هم از خواسته‌های زنان معمولی. هم "از زنان در متن" بگوید، هم از "زنان در حاشیه". هم از "فعالان جنبش زنان" بگوید هم از "زنان در سایه".

این نشریه هم مطالب تحلیلی دارد هم خبر و گزارش در حوزه زنان و می‌کوشد تریبونی باشد برای انعکاس فعالیت‌های کوچک و بزرگ زنان. ما با این باور که زنان در طبقات مختلف جامعه بویژه زنان در طبقات پایین جامعه از نابرابری و تبعیض‌های قانونی رنج زیادی می‌برند، انعکاس مشکلات ناشی از این تبعیض‌ها را در باره زنان و مردان و همچنین فعالیت‌های جنبش زنان ایران را برای رفع این نابرابری‌ها در اولویت قرار داده‌ایم. تلاشی که در چند سال اخیر در کمپین یک میلیون امضا تبلور یافت. ما علاوه بر انعکاس فعالیت‌های کمپین یک میلیون امضا، خود نیز با جمع‌آوری امضا در مسیر این حرکت مدنی و برابری خواه مشارکت فعال داشتیم. ما با این اعتقاد که اغلب مواقع زنان در شهرهایی به جز پایتخت مورد غفلت قرار گرفته‌اند، می‌کوشیم که نشریه‌مان محلی برای انعکاس فعالیت‌های زنان در همه ایران بویژه نقاط دور افتاده کشور باشد. ما برای دسترسی به اخبار فعالیت‌های زنان در سراسر ایران از همکاری داوطلبانه اعضای تعدادی از تشکل‌های غیردولتی زنان در شهرهای مختلف ایران یاری می‌گیریم. ما به صورت کاملاً داوطلبانه کار می‌کنیم و از هیچ موسسه داخلی و خارجی کمک مالی دریافت نمی‌کنیم. روش کلی این سایت، انتشار حداکثر مطالب است.

آدرس اینترنتی سایت کانون زنان ایرانی [ir-women.com](http://ir-women.com)

### نمایندگان زن در شوراهای سیستان و بلوچستان و دغدغه‌هایی که برای زنان دارند

بخشی از یک گزارش خبری؛ در پنجمین دوره از انتخابات شهر و روستا، آمار بیشترین تعداد زنان راه‌یافته به شوراهای سیستان و بلوچستان اختصاص دارد که شامل ۴۱۵ زن می‌شود. به همین مناسبت، به سراغ چند تن از این زنان رفتیم تا درباره ورود آنها به شوراهای و برنامه‌هایشان برای زنان بیشتر بدانیم.

زینب علم یکی از زنان راه یافته به شورای شهر می‌گوید که؛ یکی از مهم‌ترین مشکلات ما در حوزه آموزش است زیرا دوره‌های آموزشی و کارورزی برای یادگیری کارآفرینی نداریم. آموزش محدود به دیپلم گرفتن و دانشگاه رفتن می‌شود و الان همه مدرک لیسانس و فوق لیسانس می‌گیرند اما بیکارند و شرایط استخدام برایشان وجود ندارد. از طرفی هم هیچ کار و حرفه‌ای یاد نگرفته‌اند.



به همین دلیل من مصر هستم که دوره‌هایی برای آموزش کارآفرینی برگزار کنیم تا این افراد بتوانند برای خودشان شغل ایجاد کنند. این کار باعث ایجاد اشتغال برای تعداد زیادی از زنان و جوانان خواهد شد. نماینده مردم شهر هامون افزود به دلیل سنتی بودن جامعه ما بسیاری از زنان با حقوق خود در خانواده و اجتماع آشنایی ندارند و حتی نمی‌توانند مشکلات خود را با یک عضو شورا به راحتی بیان کنند. به همین دلیل خود زنان به من مراجعه می‌کردند و می‌گفتند اگر شما به عنوان یک زن در شورا باشی هم مشکلات ما را بهتر درک می‌کنی، هم ما بهتر می‌توانیم مسایل و مشکلاتمان را با شما مطرح کنیم.

از آنجایی که قبل از این هیچ زنی وارد شورای شهر ما نشده بود و نماینده‌ها عمدتاً افراد مسن و ریش سفید و معتمد بودند، وقتی تصمیم گرفتم کاندیدا شوم اطرافیان و حتی اقوام نزدیک می‌گفتند این کار را انجام نده چون رأی نمی‌آوری اما زنان و جوانانی که با آنها ارتباط داشتم پیشنهاد می‌دادند که کاندیدا شوم و معتقد بودند بین ۵ نفری که وارد شورا می‌شوند رأی اول تا سوم را خواهم داشت و همین اتفاق هم افتاد و سوم شد. پدر و مادرم از همان ابتدا موافق بودند اما همسرم اوایل کمی مخالفت می‌کرد و می‌گفت چون جامعه سنتی است مردم نمی‌پذیرند که شما به عنوان یک زن وارد شورا شوی اما وقتی دلایلم را برایش توضیح دادم و دید که خودم مشتاق هستم، ایشان هم پذیرفت و کمک زیادی به من کرد؛ به طوری که اگر کمک‌های ایشان نبود احتمال رأی آوردن من بسیار پایین می‌آمد. در استان سیستان و بلوچستان فرماندار و بخش‌دار زن داریم و حتی یکی از بخش‌داران ما یک زن جوان مجرد است. یکی از دلایلی که توانستم به خودم جرأت بدهم و در این جامعه سنتی کاندیدا شوم این بود که به عنوان مشاور فرماندار در جلسات مختلف استان شرکت می‌کردم و این باعث شده بود جسارت مطالبه‌گری پیدا کنم و به راحتی با مسؤولان مختلف صحبت کنم. مردم شهر ما می‌گویند فرماندار زن ما نسبت به فرمانداران مردی که داشتیم بسیار بهتر کار می‌کند. در واقع، وقتی عملکرد فرماندار زن را می‌بینند یا ملاحظه می‌کنند که بخش‌دار زن دلسوزانه‌تر به حرف آنها گوش می‌دهد و به فکرشان است، به تدریج اعتماد آنها به زنان بیشتر می‌شود و این تصور به وجود می‌آید که زنان در شورای شهر هم بهتر می‌توانند کار کنند.

### چرا در آموزش و پرورش ایران نسلی با نشاط و مسولیت پذیر را نتوانستیم تربیت کنیم؟

چرا در آموزش و پرورش ایران، نسلی با نشاط و مسولیت پذیر را نتوانستیم تربیت کنیم تا با خیال آسوده بتوانیم مسولیت ها را به آنها واگذار کنیم و با فراغ بال به دوران بازنشستگی خود فکر کنیم. توضیح آن شعارها هم برای نسل های جدید کاری دشوار است. باید دید در این مدت چه کاشته ایم و انتظار چه محصولی را داریم. هیچ انقلابی بدون سرمایه گذاری در آموزش نسل های بعد، نمی تواند انتظار ماندگاری در تاریخ را داشته باشد و این نیز مستلزم سرمایه گذاری در بخش آموزش و پرورش این نسل ها خواهد بود. این که در یک نظام حکومتی به آموزش و پرورش با دیدگاه هزینه ای نگاه می شود یا سرمایه گذاری، خود بحثی است که می تواند بسیاری از مشکلات را روشن کند. در عمل از کشورهای عقب افتاده آفریقا هم عقب تریم، سرانه آفریقای جنوبی برای هر دانش آموز بیش از سه برابر ایران است (۲۲۰۰ دلار در آفریقا در برابر ۷۰۰ دلار ایران). سال هاست من این اعداد را رصد می کنم و متأسفانه هیچ کس نیست که درباره این اعداد صحبت کند و جامعه نیز به سادگی از کنار این موضوعات می گذرد و هیچ وقت نمی پرسیم که آن ۹۷ درصد هزینه های کشور کجا هزینه می شود؟ و آیا از آن باقیمانده بودجه کشور نیز به اندازه آموزش و پرورش انتظار داریم. اگر آموزش و پرورش در ۵۰ اولویت اول نظام در بودجه ریزی و برنامه های توسعه نباشد، چه خواهید گفت. آیا می توان آموزش و پرورش را در بحث ۷۹ ام برنامه توسعه گنجاند و از آن انتظار حل مشکلات و معضلات کشور را داشت. نباید انتظار داشته باشیم تا جامعه به آموزش و پرورش بهایی بیش از این دهد، همین اتفاق خواهد افتاد که تقریباً تمام دانش آموزان ما برای انتخاب رشته در دانشگاه، فقط حقوق و اشتغال را مدنظر دارند. با این تفاسیر از سال هزار و چهارصد باید منتظر ترکیدن دمل های چرکینی چون: طلاق، خیانت، اختلاس، بی بند و باری اخلاقی، فروپاشی ارکان های نهادهای اجتماعی، ظهور نوکیسه هایی که به هیچ اصلی پای بند نیستند، ظهور طبقات خاص در جامعه که قانون شان فقط پول است، بی اعتباری علم و فرهنگ و ادب، ریاکاری متولیان کشور، بی اعتباری ارزش های دینی و عدم پای بندی به آن ها، ارزش شدن ضد ارزش ها، عدم پای بندی به قوانین جاری کشور، قانون گریزی قانون گذاران، بی توجهی به اصول اخلاقی جامعه، ارزش گریزی و .... باشیم. جامعه ای که آموزش و پرورش اش از اولویت های آخر جامعه است، باعث ظهور نومعلمانی می شود که شغل اصلی آنها نه عملی که: ساخت و ساز، دلالتی، مسافرخشی و ... خواهد بود....

مزبان حبیبی آموزشگر ریاضی و دانشجوی دکترای آنالیز ریاضی

### انتظار زنان فرهنگی از وزیر آموزش و پرورش در دولت دوازدهم

نقش بانوان در عرصه های مدیریتی فراتر از تبلیغات و زینت المجالس بودن است! مباحث حضور زنان صرفاً در کلیشه های کلامی و تزئینی برای سخنرانی ها و نوشته های آنان در رسانه های مکتوب حقیقی و مجازی خلاصه نشود. گرچه هم نباید در دام تاکید فمینیستی افراطی افتاد و هم اینکه صرفاً به خاطر رفع تکلیف، احقاق حقوق زنان را در حضور چندین خانم به عنوان زینت المجالس یا تزئین وزارتخانه ها خلاصه کرد. رخی مدیران ارشد فقط برای مانور تبلیغاتی و اظهار آن در رسانه ها نسبت به چند انتصاب از میان بانوان که عمدتاً هم با ارتباطات صورت می گیرد و چندان هم بر اساس شایستگی و کارآمدی نیست، اقدام می کنند و خیل عظیم بانوان فعال، کاردان و متخصص هم باید توان عواقب ناکارآمدی آن عده محدود و معدود خانم مدیر شده را بپردازند و هم هر موقع که بحث مجدد حضور زنان مطرح می شود این عده اندک را مثال زده و سعی می کنند جرات و اعتماد به نفس بیان آن مطالبه را از زنان بگیرند

معصومه بیات فعال فرهنگی

### آخر کسی رنج ما را پاسخ می دهد؟

وزیر محترم آموزش و پرورش؛ اینجانبان جمعی از نیروهای قرارداد معین آموزش و پرورش هستیم. سال هاست هم ردیف و هم دوش نیروهای رسمی در پست های گوناگون مشغول به خدمت هستیم. اما دیگر تبعیض، شور، انگیزه، نشاط و رمقی بر ایمان باقی نگذاشته است. آخر چه طور می شود در نظام اسلامی باور کرد که دو نفر یک کار را انجام بدهند و تمام شرایط شان مساوی باشد، اما به یک نفر نصف دیگری مزد بدهند به جرم اینکه قراردادی است؟ چه طور می شود نیرویی را از همه مزایا و امتیازات صرفاً به بهانه قرار دادی بودن محروم کرد؟ شاید باور پذیر نباشد اما هیچ امتیاز و مزایایی شامل حال نیروهای قرار دادی نمی شود. آموزگاران قراردادی معین نه رتبه بندی دارند، نه بیمه طلایی، نه گروه و طبقه. حتی یک کسر از حقوق ساده هم نمی توانند برای خود بگیرند. ما این ظلم را کجا باید فریاد کنیم؟ چرا باید حقوق یک نیروی فوق لیسانس قرار دادی با سابقه یکسان از یک نیروی دیپلمه رسمی کمتر باشد؟

چرا هیچ کدام از بخشنامه ها شامل حال ما نمی شود؟ چرا ما هیچ گاه نمی توانیم ارتقاء کاری پیدا کنیم؟ استخوان ما زیر بار این تبعیض خرد شده است! صدای ما را بشنوید. شاید مرهمی باشد بر زخم کهنه و بی درمان ما.

۱- بحران ساختار طبقاتی در جامعه ایران به لحاظ کمی در هیرارشی هرم طبقاتی عبارت است از: در نوک پیکان این هرم، حاشیه‌نشینان ۲۰ میلیون نفری کلان شهرهای ایران قرار دارند و در مرحله دوم لشکر ۱۵ میلیون نفری بیکاران جویای کار قرار گرفته‌اند و سپس طبقه کارگر ۱۴ میلیون نفری قرار دارد.

۲ - عدم توازن قوا بین قدرت حکومت و قدرت جنبش‌های اجتماعی؛ که باعث گردیده است تا رژیم توان سرکوب هر گونه حرکت اعتراضی و مطالباتی و سندیکایی و سازمان‌گرایانه مستقل جنبش‌های اجتماعی را داشته باشد.

۳ - اعتراضات بصورت کارگاهی یا غیر سراسری و طبقه‌ای بودن حرکت‌های اعتراضی جنبش مطالباتی گروه‌های مختلف اجتماعی، (چه جنبش کارگری یا جنبش معلمان، جنبش پرستاران، جنبش مزدبگیران، جنبش زنان، جنبش بازنشستگان، جنبش حاشیه‌نشینان و غیره) که این امر باعث گردیده است تا این جنبش نتواند حتی حداقل دستاورد صنفی برای محرومین و زحمتکشان و مستضعفین ایران به دست بیاورد.

۴ - غلبه فقر مطلق همراه با استبداد باعث گردیده است تا شعار «سازماندهی و تشکل‌گرایی مستقل کارگری و مزدبگیران و زحمتکشان شهر و روستا» بدل به یک طلسم دست نیافتنی بشود. نصب دوربین‌ها در کارگاه‌ها و دانشگاه‌ها و ادارات به خصوص در کارخانه‌ها توسط دستگاه‌های امنیتی برای پادگانی کردن فضا و نظارت شبانه روزی مثنی است نمونه خوار.

۵ - امروز ۴۰ میلیون کاربر تلگرام به فضای مجازی دسترسی دارند. فضای مجازی امروز در ایران از آنچنان پتانسیلی برخوردار می‌باشد که می‌تواند جنبش‌های اجتماعی را وارد فاز «اعتلائی و تشکیلاتی و سیاسی و اجتماعی و صنفی» بکند. تنها عرصه‌ای که توازن قوا را به سود جنبش‌های اجتماعی سمت می‌دهد فقط فضای مجازی است.

۶ - جنبش بزرگ مطالباتی صنفی و سیاسی و اجتماعی به عنوان عامل بزرگ ایجاد توازن قوا بین حکومت و جنبش‌های اجتماعی در درازمدت می‌باشد که در گرو «پیوند مبارزه کارگاهی درون طبقه‌ای» می‌باشد. و تا زمانیکه ائتلاف و پیوند بین جنبش‌های اجتماعی بشکل فراگیر و سراسری مطالباتی صنفی - سیاسی حاصل نشود، حضور فعال جنبش‌ها به صورت مستقل در کارزار سیاسی و ایجاد توازن قوا با حکومت حاصل نمی‌گردد.

**جنبش پیشگامان مستضعفین ایران باید بدانند که محورهای اصلی وظایف حداقلی و فوری آنها عبارتند از:**

۱ - بسترسازی جهت سازماندهی جنبش مطالباتی کارگران و مزدبگیران و زحمتکشان شهر و روستا بر محور مطالبات بی‌واسطه آنها.

۲ - بسترسازی جهت سمت‌دهی حرکت اعتراضی جنبش مطالباتی زحمتکشان در جهت ایجاد نهادهای مستقل پایدار صنفی توسط خود فعالین محلی زحمتکشان.

۳ - تلاش در جهت حضور سازمان یافته زحمتکشان ایران در عرصه جنبش مطالباتی‌شان در شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی.

۴ - بسترسازی در فضای مجازی برای ایجاد هم‌گرایی بخش‌های مختلف و پراکنده جنبش مطالباتی زحمتکشان و محرومین ایران.

جنبش پیشگامان یک «جنبش اصلاح‌گرانه» است نه یک «جنبش اصلاح‌طلبانه». چراکه تفاوت جنبش اصلاح‌گرانه با اصلاح‌طلبانه در این است که جنبش اصلاح‌گرانه معتقد به اصلاح جامعه از طریق جامعه مدنی جنبشی تکوین یافته از پائین می‌باشد، در صورتی که جنبش اصلاح‌طلبانه یک جنبشی است که با مشارکت در قدرت و حرکت کردن در شکاف حاکمیت معتقد به حرکت اصلاحی توسط اصحاب قدرت و از بالا به پائین می‌باشد.

برگرفته از سایت پیشگامان مستضعفین - سرمقاله شماره ۹۶ «جنبش پیشگامان مستضعفین ایران» و «وظایف حداقلی»